

## معارضه‌ی شعری شاعر فلسطینی «ابراهیم طوقان»

### با «رئوبین» شاعر یهودی

دکتر علی سلیمی\*

دانشیار دانشگاه رازی - کرمانشاه

صلاح‌الدین موحدی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی - کرمانشاه

#### چکیده

پس از اعلامیه‌ی بالفور که دولت انگلیس در آن، وعده‌ی تشکیل یک دولت یهودی در سرزمین فلسطین را داده بود، یهودیان به پیاده کردن نقشه‌ی خود در این سرزمین پرداختند. از جمله اقدامات آنان در این زمینه، خرید زمین از اعراب و تشویق یهودیان جهان برای کوچ به سرزمین فلسطین بود. برخی از شاعران و متفکران عرب، این خطر را به‌خوبی احساس می‌کردند. ابراهیم طوقان، شاعر مبارز فلسطینی، از جمله شاعرانی است که سهم به‌سزایی در شعر پایداری و بیداری مردم این سرزمین داشته است، از او قصاید زیادی در مقابله با یهودیان و اهداف صهیونیستی آنها برجای مانده است. وی در یکی از قصاید خود، به معارضه‌ی شعری با یک شاعر یهودی به نام رئوبین ( *Reuben or Reuben* ) پرداخته است. این شاعر یهودی، قصیده‌ای در دفاع از تجاوزات سربازان اسرائیلی در سرزمین فلسطین سروده است، طوقان با استفاده از تورات و قرآن کریم در بیان سابقه‌ی تاریخی یهود، ادعاهای این شاعر یهودی را به نقد و چالش کشیده است. این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی در متن دو قصیده، معارضه‌ی شعری ابراهیم طوقان با شاعر یهودی را بررسی نموده است.

واژگان کلیدی: ابراهیم طوقان، رئوبین، فلسطین، صهیونیسم.

---

\*. E-mail: salimi1390@yahoo.com

## مقدمه

در ادبیات عربی نوعی شعر به چشم می‌خورد که در بین ادبا با نام **نقایض** شناخته شده است. در نقایض و یا معارضه قاعده بر این است که شاعر قصیده‌ای بسراید و شاعر دیگری در قصیده‌ای با همان وزن و قافیه با او مقابله کند و خلاف ادعاهای او را ثابت نماید. منافراتی که از دیر باز در بین عرب‌ها وجود داشت، اولین شکل نقایض نزد آنان به‌شمار می‌آید. علاوه بر این اعراب جاهلی با انواع دیگری از هجوهای فردی و یا سیاسی آشنا بودند که با ظهور اسلام هجوی دینی هم به آن اضافه شد (طه، ۲۰۰۴، ۱۶۶).

دیوان شاعران عرب مملو از انواع گوناگون هجوهای سیاسی واجتماعی است که فضای جدال و منازعه بین قبایل، حکام و پادشاهان را برای ما به خوبی به تصویر می‌کشد. طوقان از اسالیب این میراث غنی متأثر شده و همانند شعرای بزرگ تاریخ عربی، شعرش را در خدمت دین و ملت و دفاع از آنان به کار می‌گیرد و ادعاهای بی اساس دشمنان را خنثی می‌سازد و با ویژگی‌های شعرای مخصوص به خود در صدد معارضه با طرف مقابل برمی‌آید.

آثار مقابله‌ی ابراهیم طوقان با ادبیات صهیونیست‌در اشعارش به وضوح دیده می‌شود. شاعری به نام رثوبین موسوم به شاعر یهود، در جریان درگیری‌های بین اعراب و اسرائیل (۱۹۲۸م)، به تعریف و تمجید از یهودیان و تحقیر عرب‌ها می‌پردازد. علاوه بر این، شاعر اسرائیلی دیگری به نام کوهین در قصیده‌ای ادعا می‌کند که فلسطین بخشی از سرزمین اسرائیل شده است، طوقان با این دو شاعر یهودی مقابله کرده و مستقیماً وارد معارضه می‌شود (طه، ۲۰۰۴، ۱۷۷).

مقابله‌ی ادبا و شعرا با ادبیات صهیونیستی بخشی از مقابله با اهداف و سیاست‌های آنان به‌شمار می‌آید. بازتاب مقاومت و مبارزه با اهداف صهیونیستی کم و بیش در آثار شاعران قبل از طوقان نیز به وضوح دیده می‌شود. قسمت عمده‌ی مبارزه‌ی شاعران فلسطینی در جهت آگاه کردن مردم از خطر یهود و اجرای نقشه‌های صهیونیستی بوده است. البته این مبارزات قبلاً شامل مقابله با انگلیس نیز می‌شد، به خصوص در آن زمان

که انگلیس، رکن اصلی و اساسی صهیونیست‌ها بود و مبارزه با سیاست‌ها و عملکردهای آن بخشی از مبارزات مردم فلسطین به شمار می‌آمد.

از آنجا که این نوع مبارزه در دیوان ابراهیم طوقان به عنوان یک شاعر فلسطینی، بسیار به چشم می‌خورد و تاکنون نیز پژوهش مناسبی در این باره به جز اشاره‌های بسیار کوتاه و ناکافی در سایت‌های مختلف فارسی و عربی و یا فقط آوردن قصیده‌ی عربی طوقان صورت نگرفته است. حتی کتاب‌هایی که در باره‌ی طوقان نوشته شده‌اند نیز تنها اشاره‌ای گذرا به این موضوع داشته‌اند. همین امر باعث شد که در این پژوهش یکی از برترین معارضه‌های طوقان با ادبیات صهیونیستی با قصیده‌ی شاعر یهودی مقایسه و بررسی گردد.

در مقاله‌ی حاضر پس از ارائه‌ی نمونه‌هایی از مقابله‌ی شعرا با ادبیات و اجرای نقشه‌های صهیونیستی در اشغال سرزمین قدس، جلوه‌ای از ویژگی‌های شعری ابراهیم طوقان ارائه شده است که هر دو مورد به منزله‌ی مقدمه و پیش درآمدی برای بررسی موضوع اصلی مقاله می‌باشند، سپس گزیده‌ای از اشعار رئوین و معارضه‌ی ابراهیم طوقان با او با استناد به آیات قرآنی ارائه شده است.

در مورد شخصیت ابراهیم طوقان و شعر او، کتاب‌ها و مقالات فراوانی نوشته شده است که در این جا، به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

- کتاب *ابراهیم طوقان (دراسة جدیدة و مختارات)* بکسار، یوسف حسین، (۲۰۰۷)، دار المناهل.

- کتاب *حدائق ابراهیم طه المتوکل*، (۲۰۰۴)، المؤسسة العربیة للدراسات و النشر.

- کتاب *فلسطین و شعر معاصر عرب*، نوشته‌ی خالد سلیمان، ترجمه‌ی شهره باقری و عبدالحسین فرزاد، (۱۳۷۶)، نشر چشمه.

- مقاله‌ی *مقایسه ناسیونالیسم در اشعار ملی عارف قزوینی و ابراهیم طوقان* از مهدی ممتحن، (۱۳۸۸)، در *نشریه‌ی ادبیات تطبیقی*، سال سوم، شماره ۱۰.

- مقاله‌ی *ابراهیم طوقان، پایه‌گذار شعر مقاومت از کبری روشنفر*، (۱۳۸۶)، در *مجله‌ی الجمعية الایرانیة للغة العربیة*، شماره ۸.

آنچه ذکر شد نمونه‌هایی اندک از پژوهش‌هایی بسیاری است که تا کنون در باره‌ی شعر و شخصیت ابراهیم طوقان نگارش یافته است، اما در باب موضوع مقاله‌ی حاضر، تا جایی که جستجو شد، به زبان فارسی کاری انجام نشده است. هر چند در ادبیات عربی،

اشاره‌هایی به این معارضه‌ی شعری طوقان شده است، اما آنها بسیار گذرا و مختصر است.

### مبارزه‌ی شعرا با اهداف صهیونیستی

از همان اوایل طرح تشکیل یک دولت یهودی در فلسطین، متفکران و ادبای زیادی از اهداف صهیونیست‌ها آگاه شده و به مبارزه با اجرای این نقشه‌ها پرداختند. بنابراین هر عالم و ادیب متعهدی سعی داشت تا مردم را از نقشه‌های شوم صهیونیست‌ها آگاه کند.

فروش زمین به یهودیان یکی از خطراتی بود که سرزمین قدس را تهدید می‌کرد و باعث می‌شد که یهودیان بیش از پیش نقشه‌های خود را در تسلط بر این سرزمین عملی سازند.

نخستین شاعری که درباره‌ی خطر فروش زمین به یهودیان، هشدار داد، اسعاف نشاشیبی (۱۸۸۵-۱۹۴۸) بود. این شاعر در قصیده‌ی *الفلسطین و الاستعمار الأجنبي* که روزنامه‌ی *النفائس العصرية* در سال ۱۹۱۰م. آن را به چاپ رساند، ضمن ابراز بدبینی خود نسبت به آینده‌ی فلسطین فریاد سرمی‌دهد که وطن خود را دریابید وگرنه روزی خواهد رسید که یهودیان این سرزمین را به تاراج برند:

إِنَّ الاسْتِعْمَارَ قَدْ جَاَزَ الْمَدِيْنَ      دُونَ أَنْ يَعْدُوَهُ عَنْ سَيْرِ عَدَاءِ  
إِنَّ هَذَا الدَّاءَ قَدْ أَمْسَى عِيَاءً      فَتَلَاقُوهُ سَرِيْعًا بِالسُّدُوَاءِ  
إِنَّهَا أَوْطَانُكُمْ فَاسْتَيْقِظُوا      لَا تَتَّبِعُوهَا لِقَوْمِ دُخْلَاءِ

ترجمه:

«هان! استعمار را بنگرید که چه تک‌تاز است، بی آن که کسی بتواند غبارش را دریابد.»

این درد، درمان ناپذیر شده است، برخیزید و با شتاب آن را چاره کنید./

هان! از خواب غفلت بیدار شوید، اینجا وطن شماست، آن را به بیگانگان نفروشید.»

(یاغی، ۲۰۰۱، ۱۶۷)

شیخ سلیمان فاروقی (۱۸۸۲-۱۹۵۸) شاعر دیگری است که در سال ۱۹۱۲ م. به هنگام برگزاری بیستمین کنگره‌ی صهیونیسم در شهر بال سوئیس، در سروده‌ای پنج‌پاره به طور هوشیارانه‌ای تهدید صهیونیست‌ها را آشکار می‌سازد:

غَرَّهْم صَبْرُنَا عَلَيْهِمْ زَمَانًا      حَاوَلُوا سَلْبَنَا الْبِلَادَ امْتِهَانًا  
فَإِذَا لَمْنَمْتُ وَ لَمْ تَنْفَان      وَ إِذَا لَمْ نَقُمْ لَهُمْ بُرْهَانًا  
سَلْبُونَا وَاللَّهِ تِلْكَ الْبَقِيَّةُ

ترجمه:

«صبر ما آنان را مغرور کرده است، بی‌شرمانه می‌کوشند تا سرزمین ما را به تاراج

ببرند/

اگر در راه وطن نمیریم و جانمان را نثار نکنیم و اگر بر آنان اقامه دعوا نکرده و قاطعانه برخورد ننماییم، به خدا قسم هرآنچه اکنون باقی مانده است را نیز از چنگمان خواهند ربود.»

(عبدالله عطوات، ۱۹۹۸، ۱۰۳)

عبدالکریم کرمی (۱۹۰۹-۱۹۸۰) یکی دیگر از شاعران فلسطینی، در اشعار خویش خطر تسلط صهیونیسم و لزوم مقابله با آن را گوشزد می‌نماید. او به دنبال فروش ناحیه‌ی حاصلخیز وادی الحواریث به یهودیان در سال ۱۹۳۳ م. قصیده‌ای به نام *حمام الوادی* (کبوتران وادی) در وداع با آن سرود که بیانگر تاسف عمیق او نسبت به از دست رفتن زمین مزبور است:

وَدَّعَ ظِلَالَكَ يَا حَمَامَ الْوَادِي      أَلَسَ فِي الزَّمَانِ بَعْضُنَاكَ الْمِيَادِ  
مِنْ بَعْدِ سَرْحَتِهِ وَعَذْبِ تَمِيرِهِ      نَمَّ فِي الْمَجِيرِ وَأَنْتَ طَاوِ صَادِ  
أَرْسِلْ نُوَاْحَكَ يَا حَمَامُ وَقُلْ لَنَا      هَلْ فِي حَمِي الْوَادِي حَمَامٌ شَادِ

(کرمی، ۱۹۸۹، ۱۳)

ترجمه:

«ای کبوتر وادی! با آشیانه وداع کن. روزگار شاخسار سبزه را که بر آن می‌نشستی

شکسته است./

دیگر دوران چرخیدن میان درختان و نوشیدن آب گوارا بسر آمده است. باید با لبانی

تشنه و گرسنه زیر آفتاب سوزان نیمروزی به خواب روی./

ناله کن! و به ما بگو که آیا هنوز کبوتری در دره باقی است تا آواز سردهد؟»

ابوسلمی و شخصیت‌هایی چون ابراهیم طوقان و عبدالرحیم محمود (۱۹۱۳م-۱۹۴۸م) در رأس گروهی هستند که در روشنگری افکار هموطنان خود تأثیر به‌سزایی داشته و آنان را برای پیکار با دشمن و انقلاب سال ۱۹۳۶م. علیه انگلستان و جنبش صهیونیستی آماده کردند.

اما در میان این شاعران، ابراهیم طوقان نقش مؤثرتری ایفا کرده است. او با زبانی آتشین و محکم، از عمیق‌ترین احساسات فلسطینی‌ها پرده برداشت و از این طریق در دهه‌های بیست و سی، به شهرتی بزرگ دست یافت. استعداد شعری او در طول سال‌های تحصیلش در دانشگاه آمریکایی، به واسطه‌ی دیدار با ادبا و شاعران عرب شکوفا شد. پس از بازگشت به فلسطین احساس مسؤولیت و تعهد نسبت به وطن در او باعث شد تا با اشعارش به بیداری هموطنانش بپردازد. از جمله در قصیده‌ای تحت عنوان *اشْتَرُوا الْأَرْضَ تَشْتَرِيَكُم مِّنَ الضَّمِيمِ* عرب‌ها را به حفظ سرزمین‌های خود تشویق می‌کند.

بَارَكَ اللَّهُ فِي حَرِيصٍ عَلَيَّ الْأَرْضِ      ضِ غَيُورٍ يَنْهِي إِلَيْهَا اهْتِمَامَهُ  
هُمُّ حُمَاةِ الْبِلَادِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ      وَهُمْ مَعْقِلُ الْحَمِيِّ وَدِعَامُهُ  
نَهَجُوا مَنَهَجَ الْقَوِيِّ وَصَفُّوا      لِحِجَاهِ مَنْصُورَةٍ أَعْلَامُهُ

(طوقان، ۱۹۹۷، ۲۹۶)

ترجمه:

«آفرین و مرحبا بر کسی که حافظ زمین خود است، غیرتمندی که به حفظ زمین توجه دارد.»

آنان حافظان این سرزمین از هر شری می‌باشند و سنگر دفاع و ارکان مقاومت هستند.

آنان راه مردان قدرتمند و استوار را در پیش گرفتند و برای جهادی آماده شدند که پرچم‌هایش پیروز خواهد شد.»

او همچنین کسانی را که نادانسته و به خاطر دست یابی به ثروت، زمین‌هایشان را می‌فروشد سرزنش می‌کند و می‌گوید: آنان نمی‌دانند که زمین گران‌بهارترین گنج است و با این کار به خود و آیندگان ستم روا می‌دارند.

به نظر احسان عباس، ابراهیم طوقان بی‌شک بزرگترین شاعری است که فلسطین تا پایان دهه‌ی چهارم قرن بیستم به خود دیده است (ولیم، ۱۹۸۴، ۹۴).

## اشعار ابراهیم طوقان

شعر طوقان به روانی، خوش لحنی و زیبایی پردازش کلمات معروف بوده و بر تکرار مفاهیم و معانی جهت تاثیرگذاری بیشتر تکیه دارد. طوقان در اشعارش دارای شور و احساسات صادقانه‌ای بود و در عین حال میل به کنایه و انتقاد نیش‌دار داشت. همین امر در انتشار شعر وی و سهولت حفظ و رواج آن نقش اساسی داشته است. نوشته‌های او در نگهداری زمین‌ها و آگاهی بخشیدن و بیدار کردن مردم نسبت به خطر نقشه‌های انگلیس و پرهیز از گرفتار شدن در دام‌های سیاسی نقش به‌سزایی داشت.

هیچ کدام از ترفندهای سیاسی نتوانستند ابراهیم طوقان را قانع سازند و یا در آرام کردن او کاری از پیش ببرند. زیرا او با شناختی که از دولت‌های استعمارگر داشت و با سابقه‌ای که آنان از خود به جای گذاشته بودند، نمی‌توانست هیچ حسن ظنی نسبت به حکومت انگلیس و یا نسبت به گروه‌ها و سازمان‌های صهیونیستی داشته باشد. همه‌ی اهداف و نقشه‌های آنان کاملاً روشن بود، با این تفاوت که آنها را در قالب شعارهای پر زرق و برق نهاده بودند تا آسان‌تر بتوانند بر اهداف نامبارک خود دست یابند. تلاش‌های انگلیس هم در این دوره کاملاً روشن بود، زیرا از هر جنایتی که رژیم صهیونیستی مرتکب می‌شد، حمایت می‌کرد و در ظاهر یک روپوش قانونی بر آنها می‌گذاشت.

اینجاست که شعر ابراهیم طوقان نقشه‌های انگلیس و صهیونیسم را برای جداکردن فلسطین از پیکره‌ی کشورهای عربی و اسلامی و بیرون راندن مردم آن سرزمین از وطن خود برملا می‌سازد و با زبان و قلم خود در مقابل خواسته‌های آنان قد علم می‌کند.

طوقان خطاب به احمد شوقی می‌گوید:

فِي مِصْرٍ يَطْمَعُ أَشْعَبُ      وَهُنَا تُنَادِي أَشْعَبَانِ

(حسن عبدالله، ۲۰۰۲، ۲۹۲)

ترجمه:

«در مصر یک اشعب [مال پرست، مردی که ضرب المثل خست، حيله و بخل است] طمع می‌ورزد و حال آنکه در این‌جا دو اشعب گرده‌م آمده‌اند.»

اشعب مصر انگلیس، و دو اشعب فلسطین، انگلیس و اسراییل می‌باشند که شرارت هیچ‌کدام از آنان کمتر از دیگری نیست.

طوقان در قصیده‌ای که برای رد بر یک شاعر یهودی به نام کوهین (Cohen) سروده است، از ژان پل که به عنوان رهبر مسیحیت شناخته می‌شود، نام می‌برد و از این طریق به انگلیس که یک کشور مسیحی است، اشاره می‌کند و می‌گوید:

إِذَا كَانَ حَقِّي عِنْدَ كُوهِينَ ضَاعًا فَحَقِّي لَدَيَّ جُونُ بُولٍ يَا قَوْمُ أَضِيعُ

(طه، ۲۰۰۴، ۱۷۱)

ترجمه:

«اگر حق من نزد کوهین [به عنوان یک یهودی] ضایع شده است، ای قوم، بدانید که حق من نزد ژان پل [به عنوان یک مسیحی] بیشتر ضایع شده است.»  
طوقان از نقش انگلیس در همکاری با یهودیان در جهت تحقق اهداف صهیونیستی بیشتر از خود یهودی‌ها احساس خطر می‌کند.

مُنْدُ احْتِلَالِ الْعَاصِيينَ وَ نَحْنُ نُبْحَثُ فِي السِّيَاسَةِ  
شَأْنُ الضَّميرِ مَعَ السِّيَاسَةِ كَالرَّقِيقِ مَعَ النَّخَاسَةِ  
مَرَّتْ عَلَيْنَا سِتٌّ عَشرَه كُنَّ مَجْلِبَهُ التَّعَاسَةَ

(طوقان، ۱۹۹۷، ۸۷)

ترجمه:

«از زمان اشغال غاصبان تا کنون است که ما می‌خواهیم از راه‌های سیاسی [فلسطین] را آزاد کنیم.»

رابطه وجدان و عدالت با سیاست مثل رابطه برده و برده فروش است. [زیرا سیاست وجدان و عدالت را می‌فروشد و برای آن ارزشی قایل نمی‌شود.]

شانزده سال بر ما گذشت، اما نتیجه آن چیزی جز هلاکت و خواری برای ما نبود. در هفتگانه ی - قطعه شعری هفت بیتی / *أيهما الأقوياء* (ای قوی‌ها) نیز به مردان امپراتوری که در جنگ جهانی اول پیروز شده اند رو می‌کند و با زبانی تمسخرآمیز می‌گوید:

قَدْ شَهِدْنَا لِعَهْدِكُمْ بِالْعَدَالَةِ وَ خَتَمْنَا لِحُنْدِكُمْ بِالْبَسَالَةِ  
وَ عَرَفْنَا بِكُمْ صَدِيقًا وَفِيًّا كَيْفَ نَسِيَ ائْتِدَابُهُ وَ احْتِلَالَهُ



وَحَجَلْنَا مِنْ لُطْفِكُمْ يَوْمَ قُلْتُمْ      وَعَدُّ بَلْفُورٍ نَافِذًا لَا مُحَالَهَ  
وَلَيْتَ سَاءَ حَالِنَا فَكَفَانَا      أَتُكُّمُ عِنْدَنَا بِأَحْسَنِ حَالِهَ  
غَيْرَ أَنَّ الطَّرِيقَ طَالَتْ عَلَيْنَا      وَ عَلَيْكُمْ فَمَا لَنَا وَالْإِطَالَهَ  
أَجْلَاءُ عَنِ الْبِلَادِ تُرِيدُونَ      فَتَجَلُّوْا أَمْ مَحُونَاوِ الْإِزَالَهَ؟

(طوقان، ۱۹۹۷، ۳۳۱)

ترجمه:

«ما به دادگری و عدالت در دوره ی شما اذعان نموده و شجاعت سربازانتان را تایید کردیم.»

ما شما را به عنوان دوستانی وفادار شناختیم، چگونه قیومیت و اشغالگریتان را از یاد می‌بریم! /

آن روز که گفتید پیمان بالفور بایستی به اجرا در آید، ما را شرمنده ی لطف خود کردید. /

اگر ما حال خوبی نداریم مهم نیست، همین که شما نزد ما در وضعیت خوبی به سر می‌برید برای ما کافی است. /

اما این مسیر [هدف واقعی شما از اشغالگری و تکلیف ما] برای ما و شما بسی طولانی شده است، ما را چه به طول دادن [موضع خود را اعلام کنید تا ما تکلیف خود را روشن کنیم]. /

آیا می‌خواهید از این وطن برویم تا بلافاصله راه بیفتیم و اینجا را ترک کنیم، و یا اصلاً قصد نابود کردن و از میان برداشتن ما را دارید؟»

در هفتگانه‌ای دیگر تحت عنوان *مناهج*، تلاش‌های بریتانیا و اهداف صهیونیست‌ها را برای یهودی سازی فلسطین به هم ربط می‌دهد و می‌گوید:

لَسْنَا خَصْمَانَ دُو حَوْلٍ وَ طَوْلٍ      وَ آخِرُ دُوِ احْتِيَالٍ وَ اقْتِنَاصِ  
تَوَاصَوْا بَيْنَهُمْ فَاتِي وَ بَالًا      وَ إِذْلَالًا لَنَا ذَلِكَ التَّوَاصِي  
مَنَاهِجٌ لِلْإِبَادَةِ وَ اضِحَاتٍ بِالْحُسْنَى تُنْفَذُ وَ الرِّصَاصِ

(طوقان، ۱۹۹۷، ۳۵۳)

ترجمه:

«دو دشمن داریم، یکی نیرومند و قوی، دیگری یک شکارچی فریبکار. / آنان با هم تبهانی کردند و این کار برای ما هلاکت و خواری به ارمغان آورد.»

راه‌هایی بس آشکار برای نابودی که با تظاهر به خیر خواهی و با گلوله به اجرا در می‌آیند.»

### معارضه با شاعر یهود

موضع‌گیری و مقابله ابراهیم طوقان طی سالهای اولیه اشغال، در برابر انگلیس و دلالتان زمین بیشتر از موضع‌گیری و مقابله با اهداف صهیونیستی به چشم می‌خورد، زیرا انگلیس را سبب اصلی اشغال و مبدا همه جنایت‌ها می‌داند. تاثیر انگلیس در فریب خوردن و همراهی رؤسای قبایل با سیاست‌های آن، فروش زمین و سستی در آزادسازی فلسطین بیشتر روشن می‌شود. اما خود یهودی‌ها رویاهایی داشتند که بدون نقش آفرینی انگلیس و همراهی رؤسای قبایل با آنان نمی‌توانستند آن را بیان و اعلام کنند. یهودی‌ها که دارای رسانه و روزنامه بودند، تنها به مسایل داخلی خود نمی‌پرداختند، بلکه همیشه از دشمنی تاریخی خود با اعراب سخن می‌گفتند و اشتیاق خود را نسبت به بیرون کردن اعراب از فلسطین به طور صریح ابراز می‌نمودند، علاوه بر این از طریق فرهنگ و ادبیات نیز برای مبارزه و ابراز دشمنی و همچنین تبلیغات علیه فلسطینی‌ها اقدام می‌کردند. البته در بین ادبای عرب نیز کسانی بودند که به مقابله با آنان برمی‌خاستند.

از جمله نخستین تهاجمات ادبی که بسیار مشهور است از سوی رئوبین صورت گرفت. روزنامه‌ی عبری زبان هدوآر، چاپ نیویورک در تاریخ ۱۹۲۸/۹/۲۷ م. در شماره ۴۱ خود، قصیده‌ای را از این شاعر با عنوان *أَنْشُودَةُ النَّصْر* (سرود پیروزی) منتشر کرد. روزنامه یهودی *دوار هاپوم* نیز در سال ۱۹۲۹ م. مجدداً آن را منتشر ساخت.

قصیده‌ی شاعر یهودی، در ترجمه عربی با این ابیات شروع می‌شود:

عند ما تُسْفَكُ دِمَاءُ الْإِسْرَائِيلِيِّينَ  
وعند ما يَتَطَوَّعُ شَعْبٌ - هذه أَنْشُودَةُ النَّصْرِ

(طه، ۲۰۰۴، ۱۷۶ - ۱۸۱)

ترجمه:

«هنگامی که خون اسرائیلی‌ها ریخته می‌شود/

و هنگامی که ملتی بسیج می‌شوند، این سرود پیروزی است»

شاعر سپس در بیانی تحقیر آمیز خطاب به عرب‌ها، با عنوان فرزندان اسماعیل و هاجر از آنها یاد می‌کند و می‌گوید:

حُثَالَةُ بَنِي إِسْمَاعِيلَ      أَبْنَاءُ التُّبَلَاءِ الْعَرَبِ  
حُبْنَاءٌ وَ حَذِرُونَ      نَاجُونَ مِنَ الْحَرْبِ  
كَمْ هُمْ قَتْلَاكُ يَا ابْنَ هَاجِر!

(طه، ۲۰۰۴، ۱۷۶-۱۸۱)

ترجمه:

«اشرار فرزندان اسماعیل / فرزندان طبقه ممتاز و شریف عرب /

پلید و هشیار هستند / از جنگ نجات می‌یابند /

چقدر زیادند کشته‌شدگان، ای پسر هاجر!»

حرکت این شاعر یهودی به دنبال درگیری‌ها و زدوخوردهای خونینی بود که بین اعراب و یهودیان به وقوع پیوست. رتوبین از این موقعیت استفاده کرده است، به طوری که از یک سو تجاوز سربازان یهودی را شجاعت و دلآوری می‌خواند و ملت یهود را تحسین می‌کند و از سوی دیگر با ندایی تحقیر آمیز به عیب‌جویی و بدگویی از عرب‌ها که به عنوان پسران هاجر و نژاد اسماعیل شناخته می‌شوند، می‌پردازد. ترس و ذلت، شکست و وحشی‌گری را به آنان نسبت می‌دهد، اما سربازان یهودی را به عنوان قهرمانان بی‌دفاع و مظلوم معرفی می‌نماید. همچنین عرب‌ها را به صورت انسانهای دزد و خائن و غارتگر معرفی می‌کند که اهل ظلم و تجاوز به جان کودکان، زنان و سالمندان هستند.

این قصیده را روزنامه فلسطین در آن زمان به عربی ترجمه و منتشر کرده است (طوقان، ۱۹۹۷، ۲۹۳).

ابراهیم طوقان با این قصیده مقابله می‌کند و تمام توجه خود را بر گمان‌های تاریخی یهود که عیب و نقص را به پسران هاجر نسبت می‌دهند و برای پسران ساره ادعای کمالات و فضایل می‌نمایند متمرکز می‌کند و می‌گوید: تورات، همان کتابی که آن را مقدس می‌شمارید، خود دلایل کافی برای زشتی و رسوایی شما را ارایه داده است.

قصیده - رد بر رئوبین شاعر یهود- شاعر را وارد فن نقایض می‌کند. ماده ی اصلی این شعر از تاریخ ملت و ادیان تشکیل شده است. از فن تلمیح زیاد استفاده می‌کند و از پیشینه ی آبا و اجدادی طرف مقابل نیز صحبت به میان می‌آورد.

شاعر، تبلیغات و شعارهای صهیونیسم در آن زمان را نقد کرده و زیر سوال می‌برد. بنابراین شکل نمایشی قصیده، معارضه‌ای مستمر بین ادعاهای رئوبین و آنچه طوقان در بررسی‌ها و برداشتهای خود از این ادعاها دارد، می‌باشد. همچنین معارضه‌ای است بین آن اهدافی که صهیونیست‌ها ادعا می‌کنند و به دنبالش هستند و آن حقایقی که تورات درباره ی تفرق و بدکرداری آنان بازگو می‌نماید.

طوقان در راستای استناد برای گفته‌هایش، اشعار خود را با مفاهیم آیه‌های زیادی از قرآن آراسته می‌کند، وی در ابتدای قصیده خود به اصل و نسب ملتش اشاره می‌کند و اینکه مثل بنی‌اسرائیل گذشته ذلت‌باری نداشته‌اند. همچنین اشاره می‌کند به اینکه آنان برده بوده‌اند و حتی آثار آن هنوز هم بر چهره‌هایشان پیداست.

طوقان نیز قصیده‌اش را با این ابیات شروع می‌کند:

«هاجر» أمنا ولوذ رؤوم	لا حسود و لا عجوز عقیم
هاجر أمنا و منها أبو العر	ب، و منها ذاك النبي الكريم
نسب لم يضيع و لا مرقته	بابل أيتها اللقيط الليم
و دم في عروقنا لم يرقه	سوط فرعون و العذاب الأليم
يعلم الدهر أي أهرام مصر	ذلكم في صحوره مرقوم
هرم خالد يغشيه ظل	من عبودية لكم لا تريم
أي «رئوبين» غط وجهك حتى	لا يرى الأنف أنه مهشوم

(طوقان، ۱۹۹۷، ۹۶)

ترجمه:

«هاجر مادر ماست، مادری زایا و مهربان، نه حسود است و نه پیرزنی نازا و

عقیم./

هاجر مادر ماست که پدر عرب از نسل اوست. همچنین این پیامبر کریم [حضرت

محمد (ص)] نیز از نسل او می‌باشد./

ای پسر بچه سرراهی و بدنهاد، اصل ونسب ما [از نژادی است که بابل آن را از بین  
نبرده و پاره پاره نکرده است.]

خونی در رگ‌های ماست که شلاق‌های فرعون و شکنجه‌های دردناک، آن را نریخته  
است.]

روزگار می‌داند که ذلت شما در صخره‌های کدامیک از اهرام مصر نوشته شده  
است.]

هرمی جاودان که سایه‌ای از بندگی شما آن را پوشانده است، این سایه هرگز کنار  
نرفته و از بین نمی‌رود.]

ای رئوبین! صورت خود را بیوشان تا آن شکستگی [علامت بردگی] بینیت دیده  
نشود.»

طوقان به‌منظور مستند کردن گفته‌هایش، اشعار خود را با مفاهیم آیه‌های زیادی از  
قرآن آراسته کرده است، به طوری که در کل قصیده ی او فن تلمیح از قرآن را به وفور  
می‌توان یافت.

طوقان در این ابیات خود از آیات زیر استفاده کرده است:

«وَ إِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ  
وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ» (بقره / ۴۹)

ترجمه:

«به‌یاد آورید هنگامی که نجات دادیم شما را از ستم فرعونیان که از آنان  
در شکنجه سخت بودید، تا به آن حد که پسران شما را می‌کشتند و زنانتان را برای  
کنیزی می‌گذاشتند، و در این سختی، بلا و امتحانی بزرگ بود که خدا شما را بدان  
می‌آزمود.»

رئوبین در ادامه قصیده‌اش می‌گوید:

وَ حِصَارُ عَصَايَةِ سَارِقِينَ      مِّنْ كُلِّ مَنَازِلِهِمْ اجْتَمَعُوا  
قَدِمُوا بِالْهَرَاوَاتِ وَالْحَنَاجِرِ      مَن سَيِّئَ قَدْرِكُمْ يَا فَنَانِي الْكَذِبِ

(طه، ۲۰۰۴، ۱۷۶-۱۸۱)

ترجمه:

«محاصره گروهی راهزن / از همه خانه‌هایشان گردهم آمدند /

با چماق (باتوم) و خنجر حمله کردند / چه کسی شما را نجات می‌دهد ای هنرمندان دروغ‌گویی»

طوقان نیز در ادامه‌ی قصیده با استدلالی محکم و با توجه به داستان‌هایی که قرآن از قوم یهود تعریف کرده است، به تحریف تورات و بخش‌های مختلف کتاب مقدس از طرف یهودیان اشاره می‌کند و باز اشاره می‌کند به اینکه از دین حضرت موسی (ع) برگشته کفران نعمت کردند.

یا یهودیٰ کیف علمک بالتو	راة، قل لی، أم فاتک التعلیم؟
بین أسفارها خلائق عنکم	مبتداها و متنهاها ذمیم
«یوسف» باعه أبوکم «یهودا»	إن حبّ الدینار فیکم قلدتم
و کفرتم بنعمة الله حتی	ضاق ذرعاً بالكفر موسی الکلیم
یشهد «التیة» انکم، شعب اسرا	ثیل، شعب منذ الخرج ائیم
یشهد «العجل» أن ألواح موسی	یوم زغتم أصابها التخطیم
و بطون التاریخ فیها عجیب	و غریب بعارکم موسوم

ترجمه:

«ای یهودی! به من بگو! آیا نسبت به تورات هیچ آگاهی داری؟ یا اینکه اصلاً تورات نخوانده‌ای [و خواندن بلد نیستی] در بین صفحات آن خوی‌ها و خصلت‌هایی از شما است که از اول تا آخرشان ناستوده می‌باشند.

پدرتان یهودا، یوسف را فروخت، همانا دوست داشتن پول و ثروت در بین شما سابقه‌ای دیرین دارد.

نعمت‌های خدا را کفران کردید تا اینکه موسای کلیم (ع) از کفرتان به ستوه آمد. [سرگردانی در] بیابان شهادت می‌دهد که شما ملت اسرائیل، از اول آفرینشتان [یا خروج از مصر] گناهکار و نافرمان بوده‌اید.

ماجرای گوساله سامری شهادت می‌دهد که نوشته‌های حضرت موسی (ع) از همان روز منحرف شدن‌تان دچار تغییر و تباهی شده‌اند/

برگ‌های تاریخ اخبار عجیب و غریبی در خود دارند که همه‌ی آن صفحات، در بردارنده‌ی رسوایی‌های شما است.»

خداوند در این باره می‌فرماید:

«فَبِمَا نَقُضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ  
عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ» (مائده / ۱۳)

ترجمه:

«پس چون بنی‌اسرائیل پیمان شکستند، آنان را لعنت کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم [که موعظه در آن اثر نکرد]، کلمات خدا را از جای خود تغییر می‌دادند و از بهره‌ی آن کلمات که به آنان پند داده شد [در تورات] بخش بزرگی را از دست دادند، و دایم بر خیانتی [تازه] از آن قوم مطلع می‌شوی.»

در آیات دیگری نیز می‌فرماید:

«قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (مائده / ۲۶)

ترجمه: «[خدا به موسی] فرمود [ورود به] آن [سرزمین] چهل سال بر ایشان حرام شد [که] در بیابان سرگردان خواهند بود پس تو بر گروه نافرمانان [فاسقان] اندوه مخور»

«وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» (بقره / ۵۱)

ترجمه:

«وبه یاد آورید زمانی را که به موسی - برای نزول تورات - چهل شب وعده دادیم - در غیبت او شما گوساله پرستی اختیار کردید و ستمکار و بیدادگر شدید.»

طوقان قصیده‌اش را به این صورت پایه‌گذاری می‌کند، تا زمینه‌سازی باشد برای ابیات آخر قصیده که بگوید: این انحرافات و گناهان دست به دست هم داده‌اند تا یهودی امروز را با این کارنامه‌ی سیاه در گذشته و حاضر به وجود بیاورند که هر جنایتی را به کمک انگلیس مرتکب می‌شود، سپس فریاد برمی‌آورد که ما ملت مظلوم و بی‌دفاعی هستیم، هم ضربه می‌زند و هم فریاد کمک سر می‌دهد.

رئوبین در ابیات زیر نیز عرب‌ها را متهم به سرقت و جنایت و کردار زشت و ناپسند می‌کند:

لَيْسُرِقُوا وَ يَقْتُلُوا

صَعَدُوا وَ هَجَمُوا وَ اقْتَحَمُوا الْبُيُوتَ

وَيَتَقَدَّمُ سَفَاكُوا الدَّمَاءَ

(طه، ۲۰۰۴، ۱۷۶ - ۱۸۱)

ترجمه:

«بالا رفتند، هجوم بردند و وارد خانه‌ها شدند /

تا دزدی و کشتار راه بیاندازند /

[قاتلان] و خونریزان راه می‌افتند».

طوقان نیز در ادامه‌ی قصیده خود می‌گوید: الواح برحق حضرت موسی (ع) را تحریف کرده و احکامشان را برعکس نمودید و مقدسات را زیر پا نهادید، زیرا زمان و مکان مقدس نزد شما هیچ ارزشی ندارد.

أَيُّ رُؤُوبِينَ، أَيْنَ أَلْوَا حُ مُوسَى	وَالْوَصَايَا؟ فَكُلُّهُنَّ قَوِيمٌ
هُنَّ عَشْرٌ نَبَذْتُمُوهَا جَمِيعاً	وَرَتَّعْتُمْ فِي الْعَيِّ وَهُوَ وَحِيمٌ
وَنَقَضْتُمْ أَحْكَامَهَا فَإِذَا الْمَا	لُ مَقَامَ الْإِلَهِ فِيكُمْ يَقُومُ
وَالرَّيَّا رِيكُم لَه صَنَمُ الْحِرِّ	ص، مِثَالُ أَنْتُمْ عَلَيْهِ جُنُومٌ
و إِذَا السَّبْتُ فِيهِ مَكْرٌ وَ غَدْرٌ	أَيْنَ فِيهِ التَّقْدِيسُ وَ التَّعْظِيمُ؟
و عَكْسْتُمْ آيَاتَهَا إِذَا الْفَتْـ	لُ مُبَاحٌ وَ الْفِسْقُ فِيكُمْ عَمِيمٌ

ترجمه:

«ای رؤوبین! وصایای دهگانه و الواح حضرت موسی (ع) کجا هستند؟ همه‌ی آنها

درست و برحق بودند».

آن وصیت‌ها ده تا هستند که شما همه‌ی آنها را ترک کردید و به دور انداختید، و

آشکارا در گناه و گمراهی رها شدید که کار مصیبت باری است».

از احکام وصیت‌ها سرپیچی کرده و آنها را باطل نمودید. آنگاه مال و ثروت نزد شما

جای خدا را گرفت».

ربا و زیاده‌خواهی، خدای شما گشته است و از حرصی که به مال و ثروت دارید، از

ربا بتی ساخته و بر آن عاکف و عابد شده‌اید».

زمانی که در [روز مقدس] شنبه، حيله‌گری، ظلم و پیمان شکنی کنید، پس

کجاست تعظیم و تقدیس مخصوص آن روز».



نشانه‌ها و احکام وصیت‌ها را تحریف کردید، در نتیجه قتل را مباح دانستید و فسق و گناه در بین شما شایع شد.»

طوقان در ابیات فوق از آیات زیر استفاده کرده است:

«مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا  
يَسْئَلُ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵) قُلْ  
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۶)  
وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ» (جمعه/۷)

ترجمه:

«مثل کسانی که [عمل به] تورات بر آنان بار شد [و بدان مکلف گردیدند] آنگاه آن را به کار نبستند همچون مثل خری است که کتابهایی را بر پشت می‌کشد [و] چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید (۵) بگو ای کسانی که یهودی شده‌اید اگر پندارید که شما دوستان خدایید نه مردم دیگر پس اگر راست می‌گویید درخواست مرگ کنید (۶) و [الی] هرگز آن را به سبب آنچه از پیش به دست‌خویش کرده‌اند آرزو نخواهند کرد و خدا به [حال] ستمگران داناست (۷)»

به همین خاطر در این زمان جرثومه مال‌پرستی و زیاده خواهی شده‌اید، جرم و جنایت نزد شما مباح و شایع گشته است، همان طور که خداوند می‌فرماید:

«وَ أَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا  
أَلِيمًا» (نساء / ۱۶۱)

ترجمه:

«وهم بدین جهت -چیزهایی بر آنان حرام کردیم- که ربا می‌گرفتند، در صورتی که از خوردن آن نهی شده بودند و هم از آن رو که اموال مردم را به باطل-مثل رشوه و ضیافت و سرقت- می‌خوردند و ما برای کافران آنان، عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم»

«وَ لَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ» (بقره / ۶۵)

ترجمه:

«این واقعه را محققاً دانسته‌اید، آن گروه را که در روز شنبه عصیان و تجاوز کردند [مسخ کردیم و] گفتیم بوزینه شوید [رانده شده از درگاه قرب و مقام انسانیت].»

«فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا  
مِمَّا دُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ» (مائده/۱۳)

ترجمه:

«پس به [سزای] پیمان شکستنشان لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم، آنان سخنان را تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را [در تورات] بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند، و تو همواره بر خیانتی [تازه] از آنان آگاه می‌شوی»

شاعر یهودی در ابیات دیگری می‌گوید:

هَبِّ الْأَعْدَاءِ مِنْ حَوْلِنَا      وَ أَطْبِقُوا عَلَيْنَا- الْمَدِينَةَ وَ الْقَرْيَةَ  
جَاءَ الْأَعْدَاءُ لِيُقَاتِلُوا      لِيُقَاتِلُوا عِنْدَ بَوَابِ الْقُدْسِ  
احْرِسُوا يَا حُرَّاسَ صَهْيُونَ

(طه، ۲۰۰۴، ۱۷۶-۱۸۱)

ترجمه:

«دشمنان پیرامون ما به حرکت در آمده و قیام کردند، شهرها و روستاهای ما را به محاصره خود در آوردند /

دشمنان آمدند تا بجنگند، آمدند تا در محل دروازه‌های قدس جنگ کنند /  
حفاظت کنید ای نگهبانان صهیون [کوهی در نزدیکی قدس]»

طوقان نیز در ادامه ی قصیده ی خود به صفت حيله‌گری یهودیان اشاره می‌کند که هم ظلم می‌کنند و هم داد مظلومی سرمی‌دهند. اگر چیزی به سودشان باشد به گناه بودن آن توجهی ندارند و حقوق همسایگی را رعایت نمی‌کنند و اهل خیانت و غدر می‌باشند. به خاطر اینکه کارنامه ی آنان از کارنامه ی هر امت دیگری سیاه‌تر است، هر عذابی نازل شود سزاوار است که بر آنان فرود آید. اگر قرار باشد ملتی مورد خشم خداوند قرار گیرد، یهودیان هستند که به آن گرفتار می‌شوند، و در صورتی که عذاب خدا نازل شود از آنان تجاوز نمی‌نماید و در آخر می‌گوید ملتی که فرامی‌خوانی محکوم به نابودی و فنا هستند.

فَجَهَلْتُ آبَاءَكُمْ فَغَدَوْتُمْ      وَاحْتَرَامُ الْآبَاءِ فَيُكْمَعِدِيكُمْ  
وَهَضَمْتُمْ حَقَّ الْجَوَارِ وَصَحْتُمْ      أَيُّهَا النَّاسُ حَقْنَا مَهْضُومٌ

كُلُّكُمْ شَاهِدٌ عَلَى الْحَقِّ زُورًا      هَلْ أَتَاكُمْ مِنْ شَأْنِهِ تَحْرِيمًا؟  
حَسْبُكُمْ، - لَا يُبَارِكُ اللَّهُ فِيكُمْ -      أَنْ شَيْطَانٌ بَغِيكُمْ لَرَجِيمٌ  
لَوْ أَنَّ التُّجُومَ أَمْسَتْ رُجُومًا      مَا عَدَّتْكُمْ وَ اللَّهُ تِلْكَ الرُّجُومُ  
أَيُّ «رَثُوبِينَ»، أَيَّ شَعْبٍ تُنَادِي؟      إِنَّ رَبًّا أَبَادَهُ لَحَكِيمٌ

ترجمه:

«پدران خود را از یاد بردید، و به صورتی درآمدید که احترام پدران در بین شما از بین رفت.»

حق همسایگی را پایمال کردید، آنگاه فریاد برآوردید که حقمان پایمال شده است.»

همه شما شاهدان دروغین علیه حقیقت هستید، آیا درباره حرام بودن این کار حکمی بر شما نازل شده است؟

خدا به شما خیر ندهد، همین که شیطان ظلم و تجاوز شما رانده شده است، شما را بس است.»

اگر ستاره‌ها به صورت تیر اشهاب‌های سنگسار و عذاب الهی‌آدر بیایند. هیچکدام از آنها از شما تجاوز نمی‌کنند [بلکه به خاطر اینکه خیانتکارترین و جنایتکارترین مردم هستید، همه آنها بر سر شما فرود می‌آیند]»

ای رثوبین! کدام ملت را صدا می‌زنی؟ همانا خداوندی که آن را از بین برد بسی حکیم و دانا بود.»

در این ابیات نیز می‌توان گفت که طوقان از آیات زیر استفاده کرده است:  
«وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بَدِينَارٍ لَأُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا» (آل عمران / ۷۵)

ترجمه:

«و از اهل کتاب (یهود) کسانی هستند که اگر دیناری به رسم امانت بدیشان بسپاری آن را به تو بازپس نمی‌دهد مگر آنکه پیوسته بر سرش ایستاده باشی»

«بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا» (إسراء / ۵)

ترجمه:

«بندگان پیکارجو و توانای خود را بر شما برانگیخته داشتیم تا [شما را سخت در هم کوبند، آنان برای به دست آوردنتان] خانه‌ها را تفتیش و هر مکانی را جستجو کردند، و این وعده [غلبه و انتقام، حتمی و] انجام پذیرفتنی بود.»

طوقان در قسمت بعدی قصیده با تمجید از شکسپیر، نمایشنامه‌نویس بزرگ انگلیسی، به نمایشنامه‌ی تاجر تفتنگ او اشاره می‌کند که یکی از قهرمانان این نمایشنامه، نقش یک یهودی رباخوار بی‌رحم را به اسم شیلوخ (Shiloh) بازی کرده است.

طوقان می‌گوید: شکسپیر یک مسیحی است که در آن نمایشنامه چنین تصویری از یک یهودی ساخته است، اما مسیحیان فعلی و در رأس آنان انگلیس، حرف او را از یاد برداند که یهودی‌ها چه کسانی هستند و از هر نظر با آنان همکاری می‌کنند.

أَيُّ رُؤْيِينُ هَلْ قَرَأْتَ «شَكْسِيْبِي»  
و شكسبيرُ خالدُ القولِ فيكم  
رَءٍ؟ بلى، أنتَ شاعرٌ مشؤومٌ  
أمرٌ «شيلوخ» في الوري معلومٌ  
غير أن الذين منهم شكسبيي  
رئ، تناسوا ما قال ذاك العظيم

ترجمه:

«ای رؤبین! آیا از شکسپیر چیزی خوانده‌ای؟ آری! تو شاعر نامبارکی هستی.»

سخنان شکسپیر درباره‌ی شما جاودان خواهد بود، ماجرای شیلوخ نیز در بین مردم معلوم و شایع است.

اما کسانی که شکسپیر از آنان است [انگلیسی‌ها] آنچه این مرد بزرگ گفته بود را فراموش کردند.»

رؤبين آن جا که می‌گوید:  
أبناءُ التُّبلاءِ العَرَبِ  
أحرسوا يا حراسَ صهيون  
حُبْناءٌ وَ حَذِرُونَ

(طه، ۲۰۰۴، ۱۷۶-۱۸۱)

ترجمه:

«فرزندان طبقه ممتاز و شریف عرب /

پلید و ترسو هستند»

حفاظت کنید ای نگهبانان صهیون [کوهی در نزدیکی قدس]»  
طوقان نیز در قسمت بعدی قصیده‌اش می‌گوید: ملت یهود در تمام دنیا سرگردان شده‌اند. ملتی هستند که خداوند آن را پاره‌پاره و بدون سرزمین کرده است و به خاطر سرشت بد و زشتی که دارند هر جا که جرم و جنایتی وجود دارد، ردپایی از آنان دیده می‌شود.

شگفت اینکه این ملت به دنبال برپایی حکومت و وحدت و یکپارچگی قومشان هستند، در حالی که از بین رفتن و پراکنده شدنشان حتمی است و این وعده خداوند است. غضب خدا نیز همیشه بر آنان مسلط است، بنابراین پیمان بالفور در برابر وعده‌ی الهی محکوم به شکست است.

يا يهوديُّ، هل سمعتَ بشعبِ	ضَلَّ حَتَّى فِي كُلِّ قَطْرِ يَهُيمُ؟
شَعْبِكُمْ كَالذُّبَابِ فِي كُلِّ أَرْضٍ	منه شيءٌ على القَدُورِ يَحُومُ
و عجيبٌ مِنَ العجائبِ أَنْ يَطُـ	لُبَّ حُكْمًا وَ دهره محكومُ
و غريبٌ مِنَ الغرائبِ أَنْ يَجـ	مَعَ شَمَلًا شَتَائِه مَحْتومُ
عَضَبُ اللَّهِ مَا يَزَالُ عَلَيْكُمْ	وعدٌ بلفُورٍ دونه مهزومُ

ترجمه:

«ای یهودی! آیا ماجرای ملتی را شنیده‌ای که گمراه شد تا اینکه در همه جا سرگردان ماند؟!»

ملت شما مثل مگس هستند، در هر مملکتی تعدادی وجود دارند که بر روی زباله‌ها می‌گردند و دور می‌زنند.

از شگفتی‌ها اینکه، این ملت حکومت می‌خواهد، در حالی که روزگارش محکوم به فنا است.

عجیب است که این ملت پیوستگی و وحدتی به وجود بیاورد که از هم پاشیدنش حتمی شده است.

خشم خداوند برای همیشه بر شماست، پیمان بالفور نیز در برابر آن محکوم به شکست است.»

طوقان در ابیات فوق نیز از مفاهیم آیات زیر استفاده کرده است:  
 «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۶۷) وَقَطَعْنَا لَهُمُ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا» (اعراف/۱۶۸)  
 ترجمه:

«او نیز به یاد یهودیان بی‌اورا آن گاه را که پروردگار تو [توسط پیامبران به نیاکان ایشان] اعلام کرد که تا روز قیامت کسی را بر آنان چیره می‌گرداند که بدترین عذاب را به آنان می‌چشاند. بی‌گمان پروردگار تو هرچه زودتر مجازات می‌کند و او [نسبت به مطیعان] آمرزنده و مهربان است (۱۶۷) آنان را در زمین به صورت گروه‌هایی پراکنده ساختیم»

«فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتَبِّرُ» (اسراء/۷)  
 ترجمه:

«و هنگامی که وعده ی دوم [مجازات و عقاب فسادتان] فرا می‌رسد [دشمنانتان را بر شما مسلط می‌گردانیم] تا شما را بدحال و [پریشان روزگار] سازند و داخل مسجد [الاقصی] گردند همان طور که بار اول داخل شدند و بر هرچه دست یابند بکشند و درهم کوبند»

شاعر یهودی در ابیاتی از قصیده‌اش قهرمانان یهود را صدا می‌زند:

احرِسُوا يَا حُرَّاسَ صَهْيُونَ      احرِسُوا الطُّرُقَاتِ

ترجمه:

«حفاظت کنید ای نگهبانان صهیون [کوهی در نزدیکی قدس] / ز این نظام و آیین حفاظت کنید»

و در ابیات دیگری ادعا می‌کند که عرب‌ها کودکان و مردم بی‌دفاع را می‌کشند:

أَبْطَالٌ يَذْبَحُونَ أَنْاسًا غُرْلًا      وَ يُحَطِّمُونَ حِمَاجِمَ الْأَطْفَالِ؟

ترجمه:

«قهرمانانی که مردم بی‌دفاع را می‌کشند/ و جمجمه کودکان را درهم می‌شکنند؟»

باز ادعا می‌کند که دیگران آنان را تحریک می‌کنند:

لَقَدْ حَرَّضَ الْمُحَرِّضُ      فَاسْتَجَابُوا لَهُ

ترجمه:

«تحریک کننده آنان را تحریک کرد/ آنان نیز حرفش را قبول کردند»  
هرچند شاعر یهودی می‌خواهد خود را مظلوم و بی‌دفاع نشان دهد، اما در ابیاتی  
کینه‌ی خود را بروز داده و پرده از چهره‌ی جنایتکارانه‌ی اسرائیلی‌ها برمی‌دارد:

عِنْدَهَا هَبْتُ «يَمِينُ مُوشِي» وَ نَزَلْتُ

فَسَحَقْتُ جُمُوعَةَ بَنِي إِسْمَاعِيلِ

كَمْ هُمْ قَتْلَاكَ يَا ابْنَ هَاجِرٍ!

(طه، ۲۰۰۴، ۱۷۶-۱۸۱)

ترجمه:

«آنجا [در دروازه‌ی یافا] «یمین موشی» حرکت کرد و فرود آمد/

پس جمجمه پسران اسماعیل را در هم شکست و نابود کرد/

پس جمجمه پسران اسماعیل را در هم شکست و نابود کرد/

چقدر زیادند کشته‌شدگان، ای پسر هاجر!»

طوقان نیز در ادامه‌ی قصیده‌ی خود، در برابر رئوسین می‌گوید: برخلاف آنچه تصور  
می‌کنی که سربازانتان شجاع هستند، در عین حال بی‌دفاع می‌باشند، آنان به حقوق  
کسی تجاوز نمی‌کنند، بلکه مظلوم واقع می‌شوند، و در واقع دیگران هستند که به حقوق  
آنان تجاوز می‌نمایند، سربازان شما بسیار ترسو می‌باشند و بسیار نامردانه می‌جنگند. در  
حقیقت سربازان شما خائن و راهزن هستند، زیرا کمین کرده و کودکان بی‌دفاع را هدف  
قرار می‌دهند، همه‌ی این جنایات را نیز به کمک دیگران برنامه‌ریزی کرده و اجرا  
می‌کنند.

نَادِ أَبطَالِكَ الَّذِينَ تَوَارَوْا

فِي السَّبَائِكِ إِنَّهُمْ لَقُرُومٌ

يَرْقُبُونَ الْأَطْفَالَ مَتًّا فَإِنْ لَا

حُوا، رَمَوْهُمْ، فَهَالِكٌ وَكَلِيمٌ

فِي يَدَيْهِمْ سِلَاحٌ قَوْمٍ عَلَيْهِ

«أَسَدٌ» فِي حَدِيدِهِ مَخْتَوْمٌ

نَادِهِمْ يَقْدِفُوا الْقَنَابِلَ وَأَصْرَحْ

شَعْبُ صَهِيونَ أَعَزُّ مَظْلُومٌ

وَالْعَنِ الْإِنكَلِيزَ وَ احْمِلْ ظُهُومَ

إِنَّ نُكْرَانَ فَضْلِهِمْ لَجَسِيمٌ

ترجمه:

«قهرمانان خود را که در پس روزنه‌ها پنهان شده‌اند صدا بزن، همانا آنان آقا و سرور هستند.»

در کمین فرزندان ما می‌نشینند، منتظرند تا یکی از آنان ظاهر شود، آنگاه به سوی او تیراندازی می‌کنند، بعضی از آنان زخمی و بعضی دیگر شهید می‌شوند.  
در دستانشان سلاح ملتی است که بر روی آهن آن [شیری] مهر زده شده است.  
آنان را صدا بزن که با توپ‌هایشان حمله کنند، سپس فریاد و شیون برآور که ملت صهیون مظلوم و بی‌دفاع هستند.

از طرفی انگلیس را نفرین کن و از طرف دیگر خنجر و اسلحه او را در دست بگیر، همانا که انکار برتری و احسان آنان به شما کار عجیبی است.  
طوقان در ابیات آخر قصیده صفات درندگان خونخوار را به طرف مقابل نسبت می‌دهد. او ظاهراً می‌خواهد بگوید که شما کل این کره ی خاکی را به این صورت درآورده‌اید، می‌خواهید آن را مسموم کرده تسخیر نمایید و حکومت مطلق را نیز از آن خود می‌دانید:

لَبْنُ الْأَرْضِ فَاضَ سُمًّا زَعَافًا      وَ دَمًا، فَانزِلُوا بِهَا وَ أَقِيمُوا  
وَ اشْرَبُوهُ مَلَأَ الْبَطُونَ هَنِيئًا      هَكَذَا تَشْرَبُ الذُّنَابُ الْهِيمُ  
يَا يَهُودِيَّ لَاعَلَيْكَ سَلَامٌ      وَ إِذَا شِئْتَ لَاعَلَيْكَ «سَلُومٌ»

ترجمه:

«شیرهای زمین لبریز از سم و خون شده‌اند، پس به سوی آنها بیایید و کنار آن اقامت کنید.»

تا شکم‌هایتان پر می‌شود از آن بنوشید، نوش جانتان! گرگ‌های بسیار تشنه به همین صورت می‌آشامند.

ای یهودی! بر تو سلام باد، و اگر خواستی شلوم [سلام] نیز بر تو نباشد.»

### نتیجه

اسرائیلی‌ها برای استمرار اشغال‌گری خود، همواره از هر شگردی استفاده کرده و می‌کنند. آنان در کنار روش‌های نظامی و سیاسی و جلب حمایت‌های سیاسی



جهانی، از ابزارهای دیگری، از آن جمله شعر و ادبیات نیز بهره جسته‌اند. قصیده‌ی شاعر یهودی رُوبین یکی از نمونه‌های این گونه تلاش‌هاست. این مساله از نظر شاعران و اندیشمندان جهان عرب که در برابر سرنوشت جامعه خود احساس تعهد نموده‌اند، مخفی نمانده است، ابراهیم طوقان پرچمدار شعر پایداری معاصر فلسطین از جمله‌ی این شاعران است. او، چنان که در این مقاله بیان شد، در این معارضه‌ی شعری، ادعاهای شاعر یهودی را با زبان شعر به نقد و چالش می‌کشد، وی در اثبات مدعای خود، بارها به تورات اشاره می‌کند و نیز شواهدی از قرآن کریم در بیان سابقه‌ی تاریخی و بدنامی قوم یهود ذکر می‌نماید. او افکار و اعمال جنایتکارانه و سلطه‌گرانه‌ی آنان را یاد آور شده، از همکاری و پشتیبانی دولت استعمارگر انگلیس با آنها سخن می‌گوید.

### پی‌نوشت‌ها

۱- این بیت از قصیده‌ای بدون عنوان با این مطلع است:

سَمِعْتُ بِأَيَاتِ لِكُوهَيْنَ مَلُؤَهَا أَكَاذِبُ مِنْ سَيْفِ الْحَقِيقَةِ تُصْرَعُ

این قصیده را مجله *الدفاع* در روز شنبه ۱۹۹۳/۴/۲۵ م. در صفحه اول شماره ۵۷۷، چاپ کرده است (طوقان، ابراهیم، الأعمال الشعرية الكاملة، ص: ۹۶).

### کتاب‌نامه

- «قرآن کریم»، (۱۳۸۶ هـ ش). با استفاده از ترجمه‌ی تفسیر نور مصطفی خرم‌دل، تهران: نشر احسان، چاپ پنجم.
- آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۸۳ هـ ش). «فرهنگ معاصر عربی - فارسی»، تهران: نشر نی، چ ۴.
- حسن عبدالله، محمد، ابراهیم طوقان، (۲۰۰۲ م). «حیات و درسه فنیه فی شعره»، کویت: مؤسسه جائزه عبدالعزیز سعود الباطین للإبداع الشعری، ط ۱.
- طه، المتوکل، (۲۰۰۴ م). «حدائق ابراهیم (أوراق ابراهیم طوقان و رسائله و دراسات فی شعره)»، بیروت: المؤسسة العربیه للدراسات و النشر، ط ۱.

- طوقان، إبراهيم، (١٩٩٧م). «ديوان إبراهيم»، بيروت: دار العودة، ط ١.
- طوقان، إبراهيم، (١٩٧٥م). «ديوان إبراهيم»، درسه: إحسان عباس، بيروت: دار القدس.
- طوقان، إبراهيم، (٢٠٠٢م). «الأعمال الشعرية الكاملة»، إعداد: ماجد الحكواتي، كويت: مؤسسه جائزه عبدالعزيز سعود البابطين للإبداع الشعري، لاط.
- عبدالله عطوات، محمدعبد، (١٩٩٨م). «الاتجاهات الوطنية في الشعر الفلسطيني المعاصر ١٩١٨-١٩٦٨»، بيروت: دارالآفاق الجديد، الطبعه الأولى .
- كرمي، عبدالكريم، (١٩٨٩م). «ديوان أبي سلمى»، بيروت: دارالعودة.
- وليم، خان، (١٩٨٤م). «الشعر و الوطنيه في لبنان و البلاد العربية من مطلع النهضه إليعام ١٩٣٩م»، بيروت: دار المشرق، الطبعه الثانيه .
- ياغي، عبدالرحمن، (٢٠٠١م). «حياه الأدب الفلسطيني الحديث»، بيروت: دارالآفاق الجديد، الطبعه الثانيه.